

مطالعه تطبیقی برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم و دانشگاه‌های علوم

پزشکی از منظر چشم‌اندازها، رسالت‌ها و ارزش‌ها

حامد عباسی کسانلی^۱، سجاد عباس کسانلی^۲، پرستو باقری^۳

^۱ گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ^۲ گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تهران، ^۳ گروه مامایی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تویسرکان، تویسرکان، ایران.

مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، دوره چهارم شماره اول بهار و تابستان ۹۶ صفحات ۶۷-۵۱.

چکیده

مقدمه و هدف: برنامه های راهبردی به منزله نقشه راه دانشگاه برای حرکت به سوی آینده می باشد. هدف اصلی در این پژوهش، شناسایی تفاوت‌ها و تشابهات برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز، رسالت، و ارزش‌های آن‌ها بود.

روش‌ها: رویکرد این پژوهش، کیفی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم و علوم پزشکی تشکیل دادند که جهت دستیابی به هدف پژوهش، برنامه راهبردی ۴ دانشگاه وابسته به وزارت علوم و ۴ دانشگاه علوم پزشکی به صورت نمونه‌گیری در دسترس، انتخاب شدند. جهت تحلیل برنامه‌های راهبردی و دستیابی به نتایج پژوهش نیز از روش تحلیل محتوا به شیوه مقوله‌بندی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های مورد مطالعه نشان داد که از منظر چشم‌انداز، در ۴ مؤلفه مشابه و در ۴ مؤلفه تفاوت داشتند: از منظر رسالت در ۴ مؤلفه مشابه و در ۶ مؤلفه متفاوت بودند؛ و از منظر ارزش‌ها در ۵ مؤلفه مشابه و در ۷ مؤلفه با یکدیگر متفاوت بودند.

نتیجه‌گیری: برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم و علوم پزشکی دارای تفاوت‌ها و تشابهاتی هستند که با بهره‌گیری از این تفاوت‌ها می‌توانند به تکمیل برنامه‌های راهبردی خود بپردازند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌ها، برنامه‌های راهبردی، دانشگاه‌های علوم پزشکی، دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، چشم‌اندازها، رسالت‌ها

نویسنده مسئول:

حامد عباسی کسانلی

گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و

روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

تهران، ایران

تلفن: +۹۸ ۹۱۷۲۵۶۳۲۰

پست الکترونیکی:

hamed.abbaskasani@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۴ اصلاح نهایی: ۹۵/۱۲/۱۴ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۱۶

ارجاع: عباسی کسانلی حامد، عباس کسانلی سجاد، باقری پرستو. مطالعه تطبیقی برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم و دانشگاه‌های علوم پزشکی از منظر چشم‌اندازها، رسالت‌ها و ارزش‌ها. راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی. ۹۵(۱):۶۷-۵۱.

مقدمه

در جهان معاصر تحولات گسترده، ابعاد مختلف زندگی بشر را درنور دیده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر سرعت تغییرات و تحولات در جهان، روزافزون شده و موجبات احساس ناپایداری و ناامنی محیطی زیادی را به همراه دارد (۱). در دهه‌های اخیر، نظام آموزش عالی به علل مواجهه با رشد فرایند فناوری، تغییرات وسیع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، و تأمین نیازهای جامعه با موضوعات اساسی روبه‌رو شده است (۲). همگان از آموزش عالی انتظار دارند که بیش از هر نهاد دیگری در تحولات اجتماعی و اقتصادی تأثیر بگذارد و در راستای رشد و توسعه کشور گام بردارد (۳). دانشگاه‌ها مکانی برای یادگیری، تحقیق، و خدمت به جامعه از طریق کاربرد دانش هستند (۴). آموزش عالی به عنوان محور توسعه، موتور محرک و تحول در جوامع مختلف محسوب شده و به مثابه کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده می‌تواند با برخورداری از اندیشه‌های نو، هر لحظه در شریان حیاتی حرکت رو به رشد جامعه، بالقوگی‌ها و ایده‌های نوینی را تزریق نماید (۵). نظام آموزش عالی به طور عام و دانشگاه به طور خاص سه وظیفه یا مأموریت اصلی؛ یعنی آموزش یا تربیت سرمایه انسانی متخصص، پژوهش یا توسعه علم و فناوری و ارائه خدمات فنی-مشاوره‌ای به جامعه را بر عهده دارد که برآیند و پیامدهای متعددی (از جمله تحولات اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی) بر آن‌ها مترتب است (۶). مؤسسات آموزش عالی در همه جا در معرض

روندهای جهانی همچون توده‌ای شدن و همه پیامدهای آن، تأثیر فناوری‌های ارتباطی جدید، پاسخگویی مؤسسات آموزش عالی به دولت، شبکه‌های تحقیقاتی جهانی، و پدیده‌های دیگر، قرار دارد (۴). رشد و توسعه جامعه مرهون بررسی، برنامه‌ریزی مسائل، و مشکلات موجود و ارائه راهکارهای موجود به منظور پاسخگویی به نیازهای جامعه است. بدیهی است سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی در زمینه‌های گوناگونی به فعالیت مشغولند و با توجه به تنوع، تعدد، و کلان بودن مسائل جامعه، مسئولان سازمان‌ها و قانون‌گذاران، پاسخگویی به دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را در قالب خط‌مشی‌ها و برنامه‌های راهبردی، تنظیم و تدوین کرده‌اند (۲). انسان‌ها با حرکت در مسیر تکامل و رشد عقلانی خود، به تدریج بر ضرورت برنامه‌ریزی در زندگی واقف شده‌اند و آن را به منزله ابزاری در خدمت مدیریت و رهبری نظام‌های اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند. سازمان‌ها و مؤسسات اداری امروز به حدی پیچیده شده‌اند که بدون اقدام به برنامه‌ریزی‌های دقیق، امکان ادامه حیات ندارند (۷). امروزه هیچ عاملی به اندازه تعیین مسیر آتی و راه‌های دستیابی به اهدافی که با نگاه به قابلیت‌های درون‌سازمانی و متغیرهای محیط بیرونی تدوین شده باشد، متضمن موفقیت سازمانی نیست. به جرأت می‌توان ادعا کرد که وجود تفکر راهبردی در بین مدیران سازمان‌ها که می‌تواند به تدوین راهبردهای مناسب و شناسایی راهکارهای اجرایی آن‌ها منجر شود، نشانه‌ای از مدیریت موفق منابع و امکانات است

محیطی و نیازهای جدید را مورد بررسی قرار دهند و برنامه را پیوسته اصلاح کنند (۱۲). برنامه‌ریزی راهبردی برای اولین بار در شرکت‌های کسب و کار و به منظور کسب سود مورد استفاده قرار گرفته است (۱۳). در ایران و از دهه ۱۳۷۰ توجه به برنامه‌ریزی راهبردی آغاز و تعدادی پژوهش نیز در این زمینه انجام شده است (۱۴). برنامه‌ریزی راهبردی در مؤسسات آموزش عالی، یک فرایند برنامه‌ریزی سیستماتیک طراحی شده برای هدایت تصمیم‌ها در مورد بهبود آموزش و پرورش، تحقیق و توسعه، و فرایندهای خدماتی و کاربردی می‌باشد. همچنین موجبات تخصیص منابع مالی و دیگر منابع، و تهیه منابع جدید را فراهم می‌سازد (۱۵). برنامه‌ریزی راهبردی در آموزش عالی به طور اعم و دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به طور اخص، راهی مناسب برای شناسایی شفاف بیانیه رسالت‌ها، اهداف و اولویت‌هاست و می‌تواند زمینه ترسیم همزمان چشم‌انداز آتی را با توجه به تمام مخاطبین فراهم آورد. از این روست که برنامه‌ریزی راهبردی به عنوان ابزاری اساسی و کارآمد در مدیریت اثربخش دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به شمار رفته و به آن‌ها امکان می‌دهد به شناسایی وجوه اشتراک خود با دیگر مراکز آموزشی و ویژگی‌های متمایزی که امکان حرکت‌های نوآورانه را فراهم می‌آورد، نائل آیند (۸). برنامه‌ریزی راهبردی نگاه به آینده دارد و تمرکز بر آینده پیش‌بینی شده است. به این مسئله توجه دارد که جهان بعد از ۵ الی ۱۰ سال چه تفاوت‌هایی با اکنون خواهد داشت. درصد خلق

(۸). مقوله علم و فناوری نیز از مهمترین زیرساخت‌های پیشرفت کشور و ابزار جدی رقابت در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران نظیر احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان، در گرو پیشرفت همه جانبه علمی است (۱). تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات طی این مسیر به طور شفاف و دقیق مشخص شده باشد (۹). سازمان‌ها و به خصوص دانشگاه‌ها در محیطی در حال تغییر فعالیت می‌کنند. بنابراین، برای کامیابی نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک هستند. امروزه مهمترین مسأله در زمینه برنامه‌ریزی راهبردی، روش مطابقت سازمان‌ها با محیط در حال تغییر است (۱۰). وجود تفاوت‌هایی در اندازه، حجم و ماهیت فعالیت مؤسسات بزرگ و کوچک، نحوه برنامه‌ریزی استراتژیک آن‌ها را نیز از هم متمایز کرده است. به طوری که اکثر مدل‌های ارائه شده در این زمینه با توجه به ویژگی‌های مؤسسات بزرگ بوده و شاید به همین دلیل آن‌ها به راحتی و در زمان دلخواه می‌توانند اقدام به برنامه‌ریزی استراتژیک کنند. در صورتی که مدل‌ها و مطالعات کمی در زمینه برنامه‌ریزی استراتژیک مؤسسات کوچک ارائه شده است و تجربه اندک آن‌ها در استفاده از این نوع برنامه‌ریزی نیز حکایت از این وضعیت دارد (۱۱). برنامه‌ریزی راهبردی، روش دائمی است که مدیران را ملزم می‌کند تغییرات

آنکه جامعه یا سازمان در خطر فروپاشی ارزشی قرار گیرد؛ خطری که در دنیای متحول امروز، همه جوامع، سازمان‌ها و افراد را تهدید می‌کند. چشم‌انداز، به عبارتی، نقشه راه تحول است. چشم‌انداز هدف از تحول و سمت و سوی روشن آن را نشان می‌دهد. چشم‌انداز، ابزار انسجام اجتماعی و سازمانی و قوی‌ترین وسیله برای تألیف قلوب مردم و کارکنان است (۲۰). چشم‌انداز، چگونگی سازمان در آینده را تعریف می‌کند و یک افق درازمدت است که گاهی جهانی را که سازمان در آینده در آن فعالیت می‌کند توصیف می‌کند. برای مثال، نیکوکاری که به فقیری کمک می‌کند ممکن است بیانیه چشم‌اندازی داشته باشد که می‌گوید: «یک جهان بدون فقر». یک بیانیه چشم‌انداز آینده سازمان را به صورت خلاصه بیان می‌کند. این بیانیه بر روی آینده متمرکز می‌شود (۲۱). با این اوصاف می‌توان گفت که چشم‌انداز بیانگر نتایجی است که سازمان، تحقق بخشیدن به آن را در درازمدت هدف قرار داده است. به عبارت دیگر چشم‌انداز شامل «آنچه می‌خواهیم در آینده باشیم» است. چشم‌انداز می‌تواند متأثر از تجربیات و مطالعات و نیاز جامعه و تقاضاهای محیطی باشد. چشم‌انداز تصویر آینده بعد از تحقق مأموریت در افق برنامه می‌باشد و برای تحقق چشم‌انداز باید مأموریت را طوری تعیین کرد که آن چشم‌انداز محقق گردد (۲۲). مأموریت، هدف بنیادی یک سازمان یا یک سرمایه‌گذاری را بیان می‌کند، مختصراً توضیح می‌دهد چرا سازمان وجود دارد و برای رسیدن به چشم‌اندازش چه کاری انجام می‌دهد. گاهی مأموریت برای نمایش

آینده سازمان بر مبنای آن چیزی است که احتمال می‌رود در آینده ایجاد شود (۱۶). اشتاینر بیان می‌کند برنامه‌ریزی راهبردی مجموعه‌ای ساده از برنامه‌های عملیاتی و یا بررسی بودجه‌های کنونی نیست. در واقع این روش، سامانه طراحی سازمان در طول زمان است که از طریق تأثیرات نامطمئن محیط در حال تغییر به منظور رسیدن به اهداف مشخص صورت می‌گیرد (۱۷). برنامه‌ریزی راهبردی شامل شناسایی و مدیریت عدم قطعیت‌ها و یا خطر‌ها است (۱۸). بیانیه رسالت و چشم‌انداز به شدت به عنوان یک بخش اجتناب‌پذیر از فرایند برنامه‌ریزی راهبردی برای همه انواع سازمان‌ها پذیرفته شده است. بیانیه رسالت و چشم‌انداز بر استراتژی و بسیاری از جنبه‌های عملکرد سازمانی تأثیر می‌گذارد.

برنامه‌ریزی راهبردی سبب کنترل بیشتر سازمان، بهبود عملکرد مالی و استفاده مؤثر از منابع، ایجاد چارچوبی معتبر برای تصمیم‌گیری، کسب بازخورد و ارزیابی میزان پیشرفت سازمان، وحدت و یکپارچگی سازمان با ایجاد دیدگاه مشترک و توسعه کار گروهی می‌شود (۱۹). با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی راهبردی و تعیین چشم‌اندازها، رسالت‌ها و ارزش‌ها، دانشگاه‌ها نیز مانند بیشتر سازمان‌ها در صدد ساخت آینده‌ای مناسب برای خود می‌باشند که جهت دستیابی به این آینده مناسب نیازمند آن هستند که ابتدا چشم‌اندازها، رسالت‌ها و ارزش‌های دانشگاه خود را شناسایی کرده و سپس در راستای آن‌ها گام بردارند. چشم‌انداز تنها سازوکار اطمینان‌بخش برای انتقال ارزش‌های ما به آینده است؛ بدون

استراتژیک پژوهشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (مطالعه موردی: دانشگاه رازی کرمانشاه)» انجام داده‌اند که جامعه آماری پژوهش را کلیه افراد صاحب‌نظر در زمینه پژوهش دانشگاه رازی کرمانشاه بود. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع غیرتصادفی هدفمند قضاوتی بود که با استفاده از این روش تعداد ۲۰ نفر صاحب‌نظر در این حوزه شناسایی گردید. یافته‌های این تحقیق نیز شامل اهداف بلندمدت، نقاط قوت و ضعف درونی، فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی و استراتژی‌ها بود (۲۴). حسینی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی تحت عنوان «تدوین برنامه راهبردی ورزش دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی» انجام داده‌اند. جامعه آماری تحقیق، مدیران و کارشناسان اداره کل تربیت بدنی دانشگاه آزاد اسلامی، مدیران و کارشناسان منتخب تربیت بدنی دانشکده‌های مراکز دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی و اعضای هیأت علمی رشته تربیت بدنی آگاه به فعالیت‌های اداره کل تربیت بدنی دانشگاه آزاد بود. نمونه آماری تحقیق ۹۴ نفر بودند که به علت محدود بودن جامعه آماری به صورت کل شمار انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه‌های باز و بسته بود. روایی پرسشنامه توسط چند تن از استادان و پایایی پرسشنامه بسته با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و با ضریب ۰/۸۳ تأیید شد. در این پژوهش ابتدا قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها شناسایی و اولویت بندی شدند و پس از تجزیه و تحلیل و تشکیل ماتریس ارزیابی هر یک از عوامل خارجی و داخلی، مشخص شد که جایگاه راهبردی ورزش

تصویر سازمان در آینده به کار می‌رود. یک بیانیه مأموریت گاهی جزئیات کارهایی را که انجام داده در اختیار می‌گذارد و به سؤال «چه کاری انجام می‌دهیم؟» پاسخ می‌دهد. برای مثال، ممکن است نیکوکار «کارآموزی برای بیکار و بی‌خانمان» را فراهم سازد. یک بیانیه مأموریت مشتری و فرایندهای مهم را تعریف می‌کند. این بیانیه سطح کارایی مطلوب را به آگاهی می‌رساند و معیار تصمیم‌گیری صریح را مهیا می‌سازد (۲۱). مأموریت یا رسالت در واقع فلسفه وجودی و مقاصد سازمان است. مأموریت مهمترین دلیل موجودیت هر سازمانی است که چهارچوبی تعیین‌کننده در چگونگی تحقق‌پذیری اهداف استراتژیک آن دارد. هر سازمانی دارای یک فلسفه یا مأموریت است و این مأموریت هرگونه فعالیت مؤسسه و رفتار کارکنانش را شکل می‌دهد. مأموریت متأثر از چشم‌انداز یا بینش است و چشم‌اندازها در واقع مأموریت شرکت را می‌سازند. یک مأموریت خوب طراحی شده هدف بنیادی و بی‌ظنیری را تعریف می‌کند که باعث متمایز شدن یک سازمان از دیگر سازمان‌های مشابه‌اش می‌شود (۲۲). ارزش‌ها نیز به عنوان سومین مؤلفه جهت بررسی تطبیقی برنامه‌های راهبردی در این پژوهش نیز متأثر از مأموریت‌ها می‌باشد. ارزش‌ها به عنوان شاخص‌های حاکم بر مدل‌های برنامه‌ریزی دانشگاه مطرح و مورد توجه هستند (۲۳). در پژوهش‌های مختلفی به بحث برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌ها پرداخته شده است که چند نمونه از ارائه می‌شود: رضاوندی و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «برنامه‌ریزی

شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، و منظم محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی به کار می‌رود. جهت تدوین روش‌های مقوله‌بندی نیز از شیوه بکارگیری قیاسی مقوله‌ها استفاده شده است. بدین صورت که مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با اسناد راهبردی دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی با توجه به اسناد راهبردی این دانشگاه‌ها و ادبیات تحقیق، استخراج شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضر را برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی تشکیل دادند که از میان آن‌ها برنامه‌های راهبردی ۱۰. ۴ دانشگاه دولتی (دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه تهران، و دانشگاه شهید بهشتی) و ۴ دانشگاه علوم پزشکی (دانشگاه علوم پزشکی قزوین، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اراک) به صورت نمونه‌گیری در دسترس، به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. در واقع در دسترس بودن برنامه‌های راهبردی این دانشگاه‌ها دلیل انتخاب آن‌ها به عنوان نمونه بوده است.

جهت روایی بخشی به کدگذاری‌ها نیز از نظرات استاد راهنما و سه نفر از خبرگان این حوزه استفاده شد.

یافته‌ها

ارائه چشم‌انداز، مأموریت یا رسالت و ارزش‌های دانشگاه‌ها به نوعی بیانگر وضعیت موجود دانشگاه می‌باشد و مشخص‌کننده این امر است که دانشگاه در چه جایگاهی قرار دارد و قصد دارد به

دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی در منطقه محافظه‌کارانه (WO) قرار داشت و راهبردهای مطلوب آن‌ها ارائه شد (۲۵). همچنین Mullane (۲۰۰۲) در پژوهش خود نشان داد که بیانیه رسالت و چشم‌انداز می‌تواند به ایجاد و انتشار یک حس مشترک از اهداف منجر شود (۲۶).

در واقع دانشگاه‌ها تنها از طریق برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و حرکت در جهت آن‌ها می‌توانند در دنیای پر از تغییر امروزی دوام بیاورند. بنابراین لازم است ابتدا چشم‌اندازها، رسالت‌ها، و ارزش‌های خود را مشخص کنند و با توجه به آن حرکت نمایند. در واقع، راهنمای عمل آن‌ها می‌باشد. اما اینکه چشم‌اندازها، رسالت‌ها، و ارزش‌ها در دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی چگونه و براساس چه شاخص‌هایی انتخاب می‌شوند، جای بررسی دارد. بنابراین با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد و همچنین با توجه به رسالت‌ها، چشم‌اندازها و ارزش‌های خاص هر دانشگاه، هدف پژوهشگر در این پژوهش، مطالعه تطبیقی برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز، رسالت و ارزش‌های آن‌ها می‌باشد. در واقع محقق قصد دارد مشخص سازد که چه تفاوت‌ها و تشابهاتی در چشم‌انداز، رسالت، و ارزش‌های این دانشگاه‌ها وجود دارد؟

روش‌ها

رویکرد پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد که جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا به شیوه مقوله‌بندی استفاده شده است. تحلیل محتوا یک

چه جایگاهی برسد. در مورد اینکه چه تفاوت‌ها و تشابهاتی در چشم‌انداز، رسالت، و ارزش‌های دانشگاه‌های مورد مطالعه وجود دارد نیز پس از بررسی و تحلیل این برنامه‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوا، مقوله‌های اصلی و فرعی برنامه‌ها مشخص شدند که نتایج آن نیز در جداول ذیل ارائه شده است. همچنان که در جداول ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، مؤلفه‌های چشم‌انداز دانشگاه‌های دولتی مورد مطالعه شامل ۵ مؤلفه اصلی سرآمد بودن علمی، رشد و توسعه مبانی دینی، مشارکت و همکاری، تربیت منابع انسانی، و رشد و توسعه علمی و ۱۱ مؤلفه فرعی می‌باشد و مؤلفه‌های چشم‌انداز دانشگاه‌های علوم پزشکی مورد مطالعه نیز شامل ۷ مؤلفه اصلی رشد و توسعه مبانی دینی، تربیت منابع انسانی، رشد و توسعه علمی، سرآمد بودن علمی، توانمندی، رشد و توسعه اجتماعی، و دستیابی به منابع و ۱۲ مؤلفه فرعی می‌باشد. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شباهت‌های دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز، در ۴ مؤلفه سرآمد بودن علمی، رشد و توسعه مبانی دینی، تربیت منابع انسانی، و رشد و توسعه علمی می‌باشد. همچنین تفاوت دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز نیز در مؤلفه‌های مشارکت و همکاری، توانمندی، رشد و توسعه اجتماعی، و دستیابی به منابع می‌باشد. در واقع، در دانشگاه‌های دولتی نیز مؤلفه مشارکت و همکاری نیز در چشم‌اندازهای‌شان مورد توجه قرار گرفته است. ولی در دانشگاه‌های علوم پزشکی این مؤلفه مورد توجه قرار نگرفته است و به مؤلفه‌های توانمندی،

رشد و توسعه اجتماعی، و دستیابی به منابع که در چشم‌انداز دانشگاه‌های دولتی مورد توجه واقع نشده است، توجه شده است. با توجه به جداول ۳ و ۴ می‌توان به خوبی دریافت که تفاوت‌ها و تشابهات دانشگاه‌های دولتی مورد مطالعه و دانشگاه‌های علوم پزشکی از منظر مأموریت در چه مؤلفه‌هایی می‌باشد. مأموریت‌های دانشگاه‌های دولتی شامل ۶ مؤلفه اصلی و ۱۱ مؤلفه فرعی می‌باشد که این ۶ مؤلفه اصلی عبارتند از: تربیت منابع انسانی، تعامل و همکاری، رقابت‌طلبی، مدیریت دانش، فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، و برتری‌طلبی. مأموریت‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز شامل ۹ مؤلفه اصلی تربیت منابع انسانی، قانون‌مداری، رشد و توسعه مبانی دینی، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، مدیریت دانش، تعامل و همکاری، فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، کیفیت‌گرایی، و تأمین منابع و ۱۸ مؤلفه فرعی می‌باشد.

همچنان که تحلیل‌ها هم نشان می‌دهند، دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر مأموریت‌های‌شان، در ۴ مؤلفه تربیت منابع انسانی، تعامل و همکاری، مدیریت دانش، فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود دارای شباهت هستند. و تفاوت‌شان نیز در این می‌باشد که دانشگاه‌های دولتی علاوه بر این مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های رقابت‌طلبی و برتری‌طلبی نیز توجه دارد. به عبارتی دیگر، دانشگاه دولتی، ایجاد فضای رقابتی و دستیابی به جایگاه برتر را از مأموریت‌های اصلی خود می‌دانند. در مقابل نیز

پزشکی از منظر ارزش‌های‌شان در ۵ مؤلفه اخلاق علمی، تعامل و همکاری، مدیریت علمی، حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضاء و رشد و توسعه مبانی دینی دارای شباهت هستند؛ یعنی هم دانشگاه‌های دولتی و هم علوم پزشکی این ۵ مؤلفه را از مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های خود می‌دانند. اما این دانشگاه‌ها دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشند. این دانشگاه‌های دولتی، نوآوری علمی، ملی‌گرایی، و ایجاد فرصت‌های آموزشی را از مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های خود می‌دانند که این مؤلفه‌ها در بین مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی دیده نمی‌شوند. همچنین دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز مؤلفه‌های قانون‌مداری، تحول رشته‌ای، رشد و توسعه اجتماعی، و مدیریت استعدادها را از مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های خود می‌دانند که در بین مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های دانشگاه‌های دولتی دیده نمی‌شوند.

دانشگاه‌های علوم پزشکی، قانون‌مداری، رشد و توسعه مبانی دینی، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، کیفیت‌گرایی، و تأمین منابع را از اصلی‌ترین مأموریت‌های خود می‌دانند که در دانشگاه‌های دولتی این مؤلفه‌ها دیده نمی‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزش‌های دانشگاه‌های دولتی شامل ۸ مؤلفه اصلی اخلاق علمی، تعامل و همکاری، نوآوری علمی، مدیریت علمی، ملی‌گرایی، حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضاء، رشد و توسعه مبانی دینی، و ایجاد فرصت‌های آموزشی و ۳۰ مؤلفه فرعی می‌باشد. همچنین ارزش‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز شامل ۹ مؤلفه اصلی رشد و توسعه مبانی دینی، قانون‌مداری، تعامل و همکاری، حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضاء، اخلاق علمی، تحول رشته‌ای، مدیریت علمی، رشد و توسعه اجتماعی، و مدیریت استعدادها و ۲۳ مؤلفه فرعی می‌باشد. همچنان که مشاهده می‌شود، دانشگاه‌های دولتی و علوم

جدول ۱. نتایج تحلیل در خصوص چشم‌اندازهای دانشگاه‌های دولتی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|------------------------|--|---------------------------------------|
| سرآمد بودن علمی | جایگاه برتر در بین دانشگاه‌های جامع کشور | فردوسی، تهران، شهید بهشتی |
| | پیشروی در آموزش و رشد شاخص‌های آموزشی | تربیت مدرس، شهید بهشتی |
| | انتخاب اول برترین استعدادها | شهید بهشتی |
| | مرجع ممتاز پاسخ‌گویی به نیازهای علمی | شهید بهشتی |
| رشد و توسعه مبانی دینی | هویت اسلامی - ایرانی | فردوسی |
| | مبتنی بودن بر مکتب اسلام | فردوسی، تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس |
| مشارکت و همکاری | تعامل پویا با مراکز علمی و فرهنگی ملی و فراملی | تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس |
| تربیت منابع انسانی | پرورش دهنده انسان‌های متدین، اخلاق و کارآفرین | تهران، شهید بهشتی |
| رشد و توسعه علمی | رشد تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی | تهران |
| | ایجاد بنگاه‌های دانش‌بنیان | تهران |
| | رشد و توسعه مفاهیم علمی | تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس |

جدول ۲. نتایج تحلیل در خصوص چشم‌اندازهای دانشگاه‌های علوم پزشکی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|------------------------|--|---------------------|
| رشد و توسعه مبانی دینی | اتکا بر مبانی دینی و فرهنگی | اصفهان |
| | عدالت‌محوری | اصفهان |
| | پرچمداری ارائه نظریات علمی براساس مبانی و ارزش‌های فرهنگی | اصفهان |
| تربیت منابع انسانی | - دینی | اصفهان |
| | فراهم‌سازی محیط رشد و بالندگی برای استعدادهاى خلاق جوان کشور | اصفهان |
| | تحقق جایگاه ارزشمند و متعالی انسان جستجوگر | اصفهان |
| | نیل به جایگاه برتر تربیت نیروی انسانی | قزوین |
| رشد و توسعه علمی | شکوفایی تولید علم و پژوهش | اصفهان، قزوین، اراک |
| سرآمد بودن علمی | دستیابی به برترین رتبه در تمامی زمینه‌های آموزشی، پژوهشی، بهداشتی و درمانی | شهید بهشتی |
| | قرار گرفتن در رتبه‌های نخست دانشگاه‌های علوم پزشکی در محور پژوهش | اراک |
| توانمندی | اجرای مستمر و دقیق وظایف | اراک |
| رشد و توسعه اجتماعی | نشر شاخص‌های عادلانه سلامت در کشور | قزوین، اراک |
| دستیابی به منابع | تأمین منابع موفق و توزیع عادلانه آن | شهید بهشتی |

جدول ۳. نتایج تحلیل در خصوص مأموریت‌های دانشگاه‌های دولتی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|--|---|---------------------------|
| تربیت منابع انسانی | نیروی انسانی به عنوان سرمایه اصلی | تربیت مدرس |
| | تربیت نیروی انسانی متخصص و با فضیلت و ایجاد مهارت‌های لازم در آنها | شهید بهشتی، فردوسی |
| تعامل و همکاری | تعامل با مجموعه اجرایی کشور | تهران |
| | همکاری‌های میان‌رشته‌ای | شهید بهشتی |
| | دانشگاه به عنوان مرکز هم‌افزایی و اشاعه فکرهای نوین در فضای مناسب آزاداندیشی فکری و نقدپذیری علمی | تهران |
| رقابت‌طلبی | ایجاد فضای رقابت علمی در کشور | تربیت مدرس |
| مدیریت دانش | دانش‌محوری | شهید بهشتی |
| فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود | تولید و ترویج علم نافع در سطح ملی و بین‌المللی | فردوسی، تهران، شهید بهشتی |
| | ایجاد فرصت‌های برابر جهت شکوفایی و پرورش استعدادهاى علمی و فنی کشور | تهران |
| | استفاده از فناوری‌های نوین | فردوسی، تهران |
| برتری‌طلبی | دانشگاه جامع برتر در جهان اسلام | تهران |

جدول ۴. نتایج تحلیل در خصوص مأموریت‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|--|--|---------------------------|
| تربیت منابع انسانی | تربیت نیروی متخصص در راستای نیازهای بخش سلامت | اصفهان، قزوین، شهید بهشتی |
| قانون‌مداری | پایبندی به قانون | اراک |
| رشد و توسعه مبانی دینی | تکیه بر ارزش‌های متعالی اسلامی | اصفهان، قزوین، اراک |
| پاسخگویی به نیازهای اجتماعی | عدالت‌محوری | اراک |
| | تکریم ارباب رجوع | شهید بهشتی |
| | ارتقاء فرهنگ سلامت جامعه | اصفهان، اراک |
| | نظارت و پاسخگویی | شهید بهشتی |
| | کاهش بار آسیب بیماری‌ها | اصفهان |
| مدیریت دانش | پذیرش و بررسی پیشنهادات طبق نظام مربوطه | شهید بهشتی |
| | گسترش خدمات درمانی و بهداشتی | اصفهان، قزوین |
| | خدمت به مردم | اراک |
| تأمین منابع | تولید دانش و فناوری‌های نوین | قزوین |
| تعامل و همکاری | جلب مشارکت‌های مردمی و سازمان‌ها | قزوین، اراک |
| فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود | افزایش تولیدات علمی پزشکی | اصفهان، اراک |
| کیفیت‌گرایی | بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید | اصفهان |
| تأمین منابع | ارتقاء مدیریت کیفیت در امور آموزشی، پژوهشی و خدمات سلامت | قزوین |
| | ارتقاء سطح کیفیت خدمات بهداشتی - درمانی | اصفهان |
| | تأمین امکانات ساختاری بخش سلامت | اصفهان، قزوین، شهید بهشتی |

جدول ۵. نتایج تحلیل در خصوص ارزش‌های دانشگاه‌های دولتی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|----------------|--|--------------------------------|
| اخلاق علمی | تأکید بر علم نافع | شهید بهشتی |
| تعامل و همکاری | تعهد به یادگیری دانشجو | شهید بهشتی |
| | دریغ نوزیدن در تعلیم علم و کوشش در بذل، اعطا و انفاق علم | شهید بهشتی |
| | مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال نیازهای علمی در سطح ملی و بین‌المللی | تربیت مدرس، شهید بهشتی، فردوسی |
| | برخوردار از روحیه نقدی و نقدپذیری | شهید بهشتی |
| | تقویت روحیه تعاون و مشارکت | تهران، بهشتی |
| نوآوری علمی | ارتباط هدفمند و مستمر با دانش‌آموختگان | تربیت مدرس |
| | توسعه همکاری‌های بین‌المللی | تربیت مدرس |
| | تعامل فعال و الهام‌بخش برای توسعه علم و فناوری در سطح بین‌المللی | تهران |
| مدیریت علمی | خودباوری، نوآوری، رقابت‌پذیری و آزاداندیشی | تربیت مدرس، تهران، فردوسی |
| مدیریت علمی | نهادینه کردن روحیه خلاقیت و نوآوری علمی | تربیت مدرس، شهید بهشتی |
| | دانش‌محوری و تأکید بر فعالیت و رفتار سازمانی دانش‌محور | شهید بهشتی |
| | دانش‌آفرینی، دانش‌گستری و ارج نهادن به آفرینش‌های فکری | فردوسی، تربیت مدرس |
| | اعتقاد به علم و فناوری کمال‌آفرین، توانمندساز و ثروت‌آفرین و هماهنگ با محیط‌زیست | تهران، شهید بهشتی |

ادامه جدول ۵: نتایج تحلیل در خصوص ارزش‌های دانشگاه‌های دولتی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|--|---|---------------------------------------|
| ملی‌گرایی حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضا رشد و توسعه مبانی دینی | مرزشکنی علمی و حرکت در مرزهای دانش جهانی | تهران |
| | مرجعیت علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی | تهران، تربیت مدرس |
| | آزادی در نظریه‌پردازی علمی | تربیت مدرس، شهید بهشتی |
| | اعتلای فرهنگ اسلامی - ایران | تربیت مدرس، فردوسی |
| | تکریم علم و عالم و شاگردپروری | تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، فردوسی |
| | خشیت در برابر پروردگار و برخورداری از تواضع و فروتنی | شهید بهشتی |
| | توحیدمحوری | تربیت مدرس، تهران، فردوسی |
| | عدالت‌گستری | تربیت مدرس، تهران، فردوسی |
| | رعایت تقوا، راستی و درستی | شهید بهشتی |
| | تقدم ترکیه بر تعلیم | شهید بهشتی |
| ایجاد فرصت‌های آموزشی | حفظ کرامت و منزلت انسانی | تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، فردوسی |
| | اخلاق‌محوری و رعایت اخلاق حرفه‌ای | تهران، شهید بهشتی |
| | تقدم مصالح عمومی بر منافع فردی و گروهی | تهران، شهید بهشتی |
| | نگرش هدایت‌گرانه و آخرت‌گرایانه به علم و فناوری | تهران |
| | تأکید بر رعایت عدالت در توزیع فرصت‌ها | شهید بهشتی |
| | ایجاد تحول بنیادین به خصوص در علوم انسانی و چارچوب جهان‌بینی اسلامی | تهران |

جدول ۶: نتایج تحلیل در خصوص ارزش‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی

| مؤلفه اصلی | مؤلفه فرعی | دانشگاه |
|-----------------------------|--|---------------------------|
| رشد و توسعه مبانی دینی | تکیه بر ارزش‌ها و مبانی دینی و فرهنگی | اصفهان، قزوین، اراک |
| | اصول عدالت‌محوری | اصفهان، قزوین |
| | رعایت قوانین و مقررات | شهید بهشتی، اراک |
| قانون‌مداری | همکاری و مشارکت کارکنان در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری | اصفهان |
| | احترام به کرامت انسانی | قزوین، اصفهان، شهید بهشتی |
| تعامل و همکاری | اعتلای منزلت اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان و گیرندگان خدمات سلامت | قزوین |
| | مشتری‌محوری | شهید بهشتی |
| حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضا | اصول حرفه‌ای‌گرایی | اصفهان |
| | رعایت اصول اخلاق پزشکی | قزوین، اراک |
| اخلاق علمی | ارج نهادن به جایگاه والای محق و تحقیق | اراک |
| | استفاده از پژوهش‌های کاربردی | اصفهان |
| تحول رشته‌ای | حاکمیت یکپارچه دانشگاهی | قزوین |
| | دانایی‌محوری | اصفهان، قزوین، اراک |
| مدیریت علمی | کارایی | شهید بهشتی |
| | اثربخشی | شهید بهشتی |
| رشد و توسعه اجتماعی | پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر جامعه | قزوین، اصفهان، شهید بهشتی |
| | توجه جدی به مقوله سلامت | قزوین |
| مدیریت استعدادها | هماهنگی درون‌بخشی | اصفهان |
| | وظیفه‌شناسی و اعتماد سازمانی | اصفهان |
| شایسته‌سالاری | توسعه پایدار | اراک |
| | استقرار عدالت اجتماعی | شهید بهشتی |
| شایسته‌سالاری | اعتماد | شهید بهشتی |
| | | اصفهان، قزوین، اراک |

بحث و نتیجه گیری

لزوم برنامه‌ریزی همواره یکی از موضوعات مهم دانشگاه‌ها بوده است. تغییرات سریع تکنولوژی، پیچیدگی جوامع، افزایش رو به رشد تقاضا و توقع مردم نسبت به ارائه خدمات مطلوب دانشگاهی، توسعه اطلاعات و ارتباطات باعث گردیده است تا دانشگاه‌ها بیش از پیش به امر برنامه‌ریزی راهبردی توجه کنند. برنامه‌های راهبردی، نقشه راه دانشگاه‌ها و سازمان‌ها برای همسو بودن با تغییرات و دوام آوردن در دنیای پر از پیچیدگی می‌باشد. در این پژوهش نیز به مطالعه تطبیقی برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز، مأموریت، و ارزش‌ها پرداخته شد. مطالعه تطبیقی برنامه‌های راهبردی این دانشگاه‌ها به شناسایی تفاوت‌ها و تشابهات موجود در چشم‌اندازها، مأموریت‌ها یا رسالت‌ها و ارزش‌های در این دانشگاه‌ها منجر شد.

در جریان مطالعه تطبیقی دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز، مأموریت، و ارزش‌ها، مشخص شد که از جنبه چشم‌انداز، دانشگاه‌های دولتی شامل ۵ مؤلفه اصلی سرآمد بودن علمی، رشد و توسعه مبانی دینی، مشارکت و همکاری، تربیت منابع انسانی، و رشد و توسعه علمی و ۱۱ مؤلفه فرعی و دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز دارای ۷ مؤلفه اصلی رشد و توسعه مبانی دینی، تربیت منابع انسانی، رشد و توسعه علمی، سرآمد بودن علمی، توانمندی، رشد و توسعه اجتماعی، و دستیابی به منابع و ۱۲ مؤلفه فرعی می‌باشند که در ۴ مؤلفه سرآمد بودن علمی، رشد و توسعه مبانی دینی، تربیت منابع انسانی، و

رشد و توسعه علمی دارای مشابهت هستند و در مؤلفه‌های مشارکت و همکاری، توانمندی، رشد و توسعه اجتماعی، و دستیابی به منابع نیز با یکدیگر متفاوت بودند. آنچه که از این نتایج می‌توان استنباط کرد این است که هم دانشگاه‌های دولتی و هم علوم پزشکی مورد مطالعه، هر دو به دنبال قطب شدن و سرآمد بودن و الگو بودن در زمینه علمی می‌باشند.

همچنین این دانشگاه‌ها سعی می‌کنند تا مبانی دینی و اسلامی را نیز توسعه دهند و به تربیت انسان‌های عالم، متدین و خلاق بپردازند و در نتیجه نیز بتوانند موجب رشد و توسعه علمی در سطح ملی و بین‌المللی شوند. از این منظر (چشم‌انداز) اما دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی تفاوت‌هایی هم داشتند.

دانشگاه‌های دولتی به دنبال مشارکت و همکاری بیشتر هستند. اما دانشگاه‌های علوم پزشکی به دنبال توانمند شدن، کمک کردن به رشد و توسعه جامعه ایرانی، و تلاش در جذب منابع بیشتر برای دانشگاه هستند.

از منظر رسالت و مأموریت نیز پس از تحلیل‌های صورت گرفته، مشخص شد که رسالت دانشگاه‌های دولتی شامل ۶ مؤلفه اصلی تربیت منابع انسانی، تعامل و همکاری، رقابت‌طلبی، مدیریت دانش، فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، و برتری‌طلبی و ۱۱ مؤلفه فرعی می‌باشد و رسالت دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز ۹ مؤلفه اصلی تربیت منابع انسانی، قانون-مداری، رشد و توسعه مبانی دینی، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، مدیریت دانش،

باشند و به تولید، انتشار و مدیریت دانش بپردازند که دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی مورد مطالعه نیز به این امر مهم توجه دارند. فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود نیز چهارمین مؤلفه مشترک بین دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی مورد مطالعه می‌باشد. دانشگاه‌ها باید به خوبی دریابند که به خلق فرصت‌ها بپردازند و تا خودشان تلاش نکنند نمی‌توانند فرصت‌هایی جهت پیشرفت پیدا کنند. همچنین در راستای خلق فرصت‌ها نیز باید به ظرفیت‌های موجود خود نیز توجه داشته باشند. چراکه در انجام هر امری باید وضعیت موجود خود را سنجید و آنگاه برای هر فعالیت دیگری اقدام کرد. اما دانشگاه‌های دولتی از منظر رسالت، علاوه بر این مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های رقابت‌طلبی و برتری‌طلبی نیز توجه دارد و در این دو مؤلفه با دانشگاه‌های علوم پزشکی تفاوت دارد. دانشگاه‌های دولتی سعی دارند تا به دنیای رقابتی وارد شوند و با تغییر در کیفیت خدمات خود با سایر دانشگاه‌ها و سازمان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی به رقابت بپردازد. همچنین دانشگاه‌های دولتی با این افزایش کیفیت خدمات نیز درصد هستند تا نسبت به رقبای خود برتر باشند و یک نوع حس برتری‌طلبی در آنها وجود دارد. دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز در رسالت‌های خود به مؤلفه‌هایی همچون قانون‌مداری، رشد و توسعه مبانی دینی، پاسخگویی به نیازهای اجتماعی، کیفیت‌گرایی، و تأمین منابع توجه دارند. در واقع در این مؤلفه‌ها نیز با دانشگاه‌های دولتی تفاوت دارند. دانشگاه‌های علوم پزشکی اعتقاد دارند که همه چیز در قالب قانون باید رعایت شود و قانون

تعامل و همکاری، فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود، کیفیت‌گرایی، و تأمین منابع و ۱۸ مؤلفه فرعی را در بر می‌گیرد. از میان این مؤلفه‌های اصلی رسالت دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی، این دانشگاه‌ها در ۴ مؤلفه تربیت منابع انسانی، تعامل و همکاری، مدیریت دانش، فرصت‌یابی و استفاده از ظرفیت‌های موجود دارای شباهت هستند و همانند یکدیگر عمل کرده‌اند. در واقع هم دانشگاه‌های دولتی و هم علوم پزشکی، به دنبال تربیت نیروهای خلاق و متدین برای جامعه می‌باشند و اهمیت این امر را می‌توان از تأکیدات این دانشگاه‌های بر تربیت نیروهای انسانی خلاق فهمید. نیروی انسانی بزرگترین سرمایه یک کشور محسوب می‌شود. با تربیت نیروی انسانی مناسب می‌توان مسیر پیشرفت کشور را به خوبی فراهم ساخت. بنابراین این دانشگاه‌های نیز بر این امر واقف هستند و یکی از رسالت‌های مشترک‌شان نیز تربیت نیروی انسانی است. همچنین این دانشگاه‌ها دریافته‌اند که بدون همکاری و تعاملات مختلف نمی‌توان به پیشبرد اهداف خود کمک کرد. بنابراین لازم است که در انجام فعالیت‌های خود با سایر سازمان‌های ملی و بین‌المللی نیز باید تعامل داشت و با آنها همکاری کرد. از دیگر مؤلفه‌های مشترک بین دانشگاه-های دولتی و علوم پزشکی، مؤلفه مدیریت دانش است. در عصر امروزی، تنها سازمان‌هایی می‌توانند بقا داشته باشند که دارای دانش و اطلاعات باشند و در واقع عصر، عصر اطلاعات است. بنابراین سازمان‌ها و به خصوص دانشگاه‌ها نیز باید به این امر توجه جدی داشته

موجب نظم دادن به امور می‌شود. همچنین به دنبال بکارگیری مبانی دینی و توسعه آن‌ها در داخل دانشگاه خود هستند و از مبانی دینی نیز به عنوان راهنمای راه خود استفاده می‌کنند. دانشگاه‌های علوم پزشکی با قرار دادن خدمات با کیفیت در سرلوحه فعالیت‌های خود و همچنین با تأمین منابع لازم از بخش‌های مختلف، در صدد هستند تا پاسخگوی نیازهای جامعه باشند و بتوانند آن نیازها را رفع کنند.

نتایج مطالعه تطبیقی دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر ارزش‌ها نیز نشان داد که ارزش‌های دانشگاه‌های دولتی، ۸ مؤلفه اصلی اخلاق علمی، تعامل و همکاری، نوآوری علمی، مدیریت علمی، ملی‌گرایی، حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضا، رشد و توسعه مبانی دینی، و ایجاد فرصت‌های آموزشی و ۳۰ مؤلفه فرعی را در بر می‌گیرد و ارزش‌های دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز ۹ مؤلفه اصلی رشد و توسعه مبانی دینی، قانون‌مداری، تعامل و همکاری، حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضا، اخلاق علمی، تحول رشته‌ای، مدیریت علمی، رشد و توسعه اجتماعی، و مدیریت استعدادها و ۲۳ مؤلفه فرعی را در بر می‌گیرد. تحلیل‌ها نشان داد که دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی در ۵ مؤلفه اخلاق علمی، تعامل و همکاری، مدیریت علمی، حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضا، و رشد و توسعه مبانی دینی دارای شباهت هستند. آنچه که می‌توان از این نتایج استنباط کرد این است که هم دانشگاه‌های دولتی و هم علوم پزشکی اعتقاد دارند که در جریان انجام فعالیت‌ها و دستیابی به اهداف خود

باید تعامل و همکاری را مدنظر قرار داد. در واقع دانش در بین افراد و سازمان‌های مختلف توزیع شده است و این تعاملات و همکاری‌هاست که موجب می‌شود به این دانش‌ها دست یافت و از آن‌ها استفاده کرد. همچنین جریانات علمی را بدون مدیریت قوی و خوب نمی‌توان پیش برد و در این راه نیز نیاز است که اخلاق علمی را هم مورد توجه قرار داد و از آن غافل نشد. حفظ حقوق و شأن و منزلت اعضا نیز یکی دیگر از ارزش‌های مشترک بین دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی می‌باشد. سازمان‌ها برای اینکه بتوانند رضایت اعضای‌شان را جلب کنند و اعضا نیز به سازمان تعهد داشته باشند، باید حقوق و شأن و منزلت اعضای سازمان را حفظ کنند. در واقع یکی از نیازهایی که در سلسله مراتب نیازهای مازلو هم در سطح بالای سلسله مراتب قرار دارد، همین نیاز به احترام و حفظ شأن و منزلت است. همچنین دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی نیز سعی دارند با قرار دادن ارزش‌ها و مبانی دینی به عنوان یکی از ارزش‌های محوری خود، از مبانی دینی به عنوان راهنمای عمل خود استفاده کنند و آن را در سراسر دانشگاه توسعه دهند. اما دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی در ارزش‌های خود دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشند. دانشگاه‌های دولتی، علاوه بر ارزش‌های مشترک خود با دانشگاه‌های علوم پزشکی، نوآوری علمی، ملی‌گرایی، و ایجاد فرصت‌های آموزشی را نیز از مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های خود می‌دانند. دانشگاه‌های دولتی سعی دارند که دانشگاه‌هایی خلاق در زمینه علمی باشند و بتوانند علم نافع

زیادی در دانشگاه‌ها وجود دارد، بنابراین لازم است که دانشگاه‌ها آن‌ها را شناسایی کنند و به پرورش بهتر آن‌ها بپردازند و آن‌ها را مدیریت کنند. زیرا این استعدادها می‌توانند جهت دانشگاه را به سمت آینده بهتر سوق بدهند.

در مجموع می‌توان گفت که دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی از منظر چشم‌انداز، رسالت و ارزش‌ها دارای تفاوت‌ها و تشابهاتی هستند که با بررسی تفاوت‌ها و تشابهات، این دانشگاه‌ها می‌توانند چشم‌انداز، رسالت و ارزش‌ها یکدیگر را بهتر بشناسند و با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی که در بین آن‌ها متفاوت است، به تکمیل چشم‌انداز، رسالت و ارزش‌های خود بپردازند و آینده را به صورت بهتری برای خود ترسیم کنند.

محدودیت‌ها

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. عدم دسترسی به برنامه‌های راهبردی همه دانشگاه‌های کشور.

۲. محدودیت در تعمیم‌پذیری نتایج این پژوهش به سایر دانشگاه‌های دولتی و علوم پزشکی.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در انجام این پژوهش ما را یاری رسانده‌اند تقدیر و تشکر می‌نماییم.

تولید کنند و همچنین فرصت‌های آموزش و یادگیری را تا حد امکان فراهم آورند. دانشگاه‌های دولتی توجه به ارزش‌های ملی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند و این نشان دهنده عرق ملی آنهاست که سعی دارند که همیشه برای سرافرازی کشور تلاش کنند. همچنین دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز علاوه بر مؤلفه‌های مشترک با دانشگاه‌های دولتی، مؤلفه‌های قانون‌مداری، تحول رشته‌ای، رشد و توسعه اجتماعی، و مدیریت استعدادهای را نیز از مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های خود می‌دانند. دانشگاه‌های دولتی سعی دارند که همه فعالیت‌های خود را به موجب قانون انجام دهند. در واقع می‌توان گفت که از قانون به عنون استاندارد خود استفاده می‌کنند تا در فعالیت‌های خود منطقی عمل کنند. یکی دیگر از ارزش‌های خاص دانشگاه‌های علوم پزشکی، رشد و توسعه اجتماعی است. از آنجا که بیشتر نتایج و بروندهای دانشگاه‌ها به جامعه بر می‌گردد، بنابراین نتایج و بروندهای مطلوب دانشگاه‌ها موجب توسعه اجتماعی می‌شود و به رفع نیازهای جامعه کمک می‌کند که در این راستا نیز دانشگاه‌های علوم پزشکی سعی دارند تا با تغییر و تحولات در رشته‌های دانشگاهی خود نیز موجب رشد و توسعه بیش از پیش شوند. و البته یکی از مهمترین فعالیت‌های هر دانشگاهی نیز مدیریت استعدادهای خود می‌باشد که دانشگاه‌های علوم پزشکی نیز آن را به عنوان یک ارزش برای خود در نظر گرفته است. از آنجا که استعدادهای

References

1. Deputy of Planning and Information Technology. Vision document of Tehran University in 1404. Tehran: Tehran university;
2. Sharif-Zadeh F. Need to recognize the higher education system and its role in the academic and social development of the country. *Journal of cultural socialstudy* 2011; 2(1):79-112. [In Persian]
3. Sarkarani MR. The relationship between higher education and the labor market in Japan. *Journal of Humanities* 2001; 11(37-38):237-80.
4. Altbach P. Higher education and the WTO: Globalization run amok. *International Higher Education*. 2015.
5. Iraqiyeh AR, Fathi K. Multicultural place in school education and higher education. *Journal of Culture strategy* 2012; (17-18):187-204.
6. Naderi A. Higher education production function: implications, challenges and vision. *Journal of Research and Planning in Higher Education* 2016; 21(3):1-29.
7. Budget and Planning Office of Ferdowsi University of Mashhad. Manual, detailed program Ferdowsi University of Mashhad (strategies, programs, regulations, forms and instructions). Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad; 2011.
8. Strategic Planning Faculty of Economics and Administrative Sciences Ferdowsi University of Mashhad. [On Line]. 2006. Available from: <http://fea2.um.ac.ir/pages-34.html>
9. Supreme Council for Cultural Revolution. [On Line]. 2010. Comprehensive scientific map document. Available from: <http://www.urmia.ac.ir/sites/www.urmia.ac.ir/files>
10. Elbanna S. Strategic planning in the United Arab Emirates. *International Journal of Commerce and Management* 2010; 20(1):26-40.
11. Aghazadeh H. Differences of strategic planning in organizations. *Tadbir Monthly* 2004; 15(147). [In Persian]
12. Padimitriou A. Strategic planning and benchmarking organizational routines of universities in the Western Balkans. *The TQM Journal* 2014; 26(3):261-74.
13. Piorun M. Evaluation of strategic plans in academic medical libraries. *Library & Information Science Research* 2011; 33(1):54-62.
14. Fattahi SR, Parirokh M, Salari M, ZarehSaz M, RajabAliBegloo Reza, Pazuki F. Analysis of the strategic plan for the development of research in the Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan Quds Razavi. *Journal of Information Processing and Management* 2015; 30(2):573-602. [In Persian]
15. Kahveci TC, Uygun Ö, Tekez EK, Sevinçli A, Kılıçarslan AG, Dülger E. Evaluation of public strategic planning models for Turkish Universities. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 2012; 58:138-48.
16. Lerner AL. A strategic planning primer for higher education. 1999.
17. Gkiliatis I, Koufopoulos D. Strategic planning practices in the Greek hospitality industry. *European Business Review* 2013; 25(6):571-87.
18. Long X. Strategic Planning in Real Estate Investment Trust (Doctoral dissertation, The University of Mississippi). 2015.
19. Boyd P. Forging future success: a strategic planning guide for fiji's national sport federations. Fiji association of sports and national Olympic committee. [On Line]. 2005. Available at: www.fijiolympiccommittee.com
20. Shariatmadari N, MalekiFar A. Vision: How leaders make, transmit, and established its. Industry and technology think tank. Tehran. 2009. [In Persian]
21. Ward J, Griffiths PM, Whitmore P. Strategic planning for information systems. Vol 3. Chichester: Wiley. 2002.
22. Shahi S, Navehebrahim A, Mehr Alizadeh Y. Open Communication in Higher Education, the Necessity of Facing Globalization Challenges: Case Study of Khuzestan Public Universities. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 2009; 14 (4):18-45. [In Persian]
23. Bagheri M, Delpasand J. Design and development of strategic planning at universities Mission - based (the case Study: the area of education University of Imam Sadeq (AS)). *Journal of Management ideas* 2008; 2(1): 125-82.
24. Rezavandi A, Sohaili K, Alemi S, Yazdanpanah R. Strategic planning research in universities and higher education institutions Case Study: Razi University of Kermanshah. Tenth International Conference on Strategic Management. 2013. [In Persian]
25. Hosaini G, Hamidi M, Tejari F. Develop a strategic plan of Student Sports of Azad University. *Sport Management* 2012; 15:15-33. [In Persian]
26. Darbi WPK. Of mission and vision statements and their potential impact on employee behaviour and attitudes: The case of a public but profit-oriented tertiary institution. *International Journal of Business and Social Science* 2012; 3(14): 95-109.

A Comparative Study of Strategic Programs of Universities affiliated to the Ministry of Science and Medical Sciences Universities in Terms of viewpoints, Missions and Values

Hamed. Abbasi Kasani¹, Sajad. Abbasi Kasani², Parastoo. Bagheri³

Department of Educational Sciences, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran¹, Department of Educational Sciences, Faculty of Education and Psychology, Tabriz University, Tabriz², Department of Midwifery, Faculty of Science, University of Tuyserkhan, Tuyserkhan³, Iran.

(Received 3 Jan, 2017

Accepted 6 Mar, 2017)

Original Article

Abstract

Introduction: Strategic plans are a roadmap for the future of the university. Identifying the differences and similarities between Universities affiliated to the Ministry of Science and Medical Sciences Universities in terms of viewpoints, missions, and values.

Methods: This was a qualitative research. Four strategic programs from Universities affiliated to the Ministry of Science and four from medical sciences universities were selected through convenience sampling. To analyze the strategic programs the content analysis by means of codification was applied.

Results: The results indicated that in terms of viewpoint, Universities affiliated to the Ministry of Science and medical sciences Universities were similar in 4 components and different in four other components; in terms of mission, in 4 components they were similar and in 6 components were different, and ultimately in terms of values in 5 components were similar and in 7 components were different.

Conclusion: There are similarities and differences between Universities affiliated to the Ministry of Science and medical sciences universities in terms of viewpoint, mission and values. By examining the differences and similarities, these universities can come to an integration regarding viewpoint, mission and values.

Key words: Medical Sciences Universities, Strategic Programs, Values, Vision, Mission, Universities Affiliated to the Ministry of Science.

Citation: Abbasi Kasani H, Abbas Kasani S, Bagheri P. A Comparative Study of Strategic Programs of Universities affiliated to the Ministry of Science and Medical Sciences Universities in Terms of viewpoints, Missions and Values. Journal of Development Strategies in Medical Education 2017; 4(1): 51-67.